

# تأملی بر پرده های پنجگانه ی میثم بادامچی



محمد آزادگر

آقای میثم بادامچی در باره انتخابات ترکیه ۱۴ و ۲۸ ماه مه مقالات متعددی منتشر کرده است. او پس از پیروزی رجب طیب اردوغان بر رقیب خود کمال قلیچداراوغلو، مقاله ای با عنوان «درس‌های پیروزی اردوغان برای ایرانیان در پنج پرده» به تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ در سایت «زیتون» منتشر کرده است.

**پرده اول-** آقای بادامچی در پرده اول می گوید: «زیبا نیست رئیس‌جمهوری کشوری که در خاورمیانه پیشرو محسوب می‌شود، پیروزی در انتخابات را با حمله به اقلیت ال‌جی‌بی‌تی شروع کند.» و در همان پرده اول از تساهل و رواداری اردوغان در رابطه با فرهنگ ها و ملیت ها سخن می گوید: «منطق اردوغان منطق امپراطوری نیمه چند فرهنگ‌گرای اسلامی، برگرفته از سیستم ملت عثمانی، است، برای همین نوعی تکثر زبانی و هویتی محدود درمورد خارجی‌ها و مهاجران را به رسمیت می‌شناسد.» آقای بادامچی همدلی خود را با اردوغان اسلامگرا اینگونه فرموله می کند: «البته حیف که متحد او در دولت‌داری حزب راست افراطی حرکت ملی‌گرا (با رهبری باغچه‌لی) است و مجبور است به ایشان در راستای ملی‌گرایی افراطی امتیازاتی بدهد و منطق ملی‌گرایی افراطی را بر منطق مسلمانی گاهی اولویت دهد.»

آقای بادامچی مدال «پیشرو» ی و به رسمیت شناختن «تکثرزبانی و هویتی» را به سینه ی کسی سنجاق می کند که نه تنها پس از پیروزی، بلکه در تمام دوران تبلیغات انتخاباتی به اقلیت ال‌جی‌بی‌تی حمله می کرد. اردوغان معتقد است: «برابری زن و مرد در تناقض با طبیعت است» و بی سبب هم نیست که اردوغان از خروج ترکیه از کنوانسیون جهانی منع خشونت علیه زنان «کنوانسیون استانبول» دفاع می کند.

به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و هویتی خارجی ها و مهاجرین نه به خاطر به رسمیت شناختن «تکثرزبانی و هویتی» بلکه عمدتاً بخاطر نیروی کار ارزان و تهدید و باجگیری از اروپا، که اگر منویات

ترکیه لحاظ نشود مهاجران را به اروپا گسیل خواهد کرد، بوده است. در داخل ترکیه نحوه ی برخورد اردوغان با مطالبات کردها میزان به رسمیت شناختن هویت‌های ملی و زبانی را نشان میدهد.

آقای میثم بادامچی از اینکه "عدالت و توسعه" مجبور شده به حزب حرکت ملی در راستای ملی‌گرایی افراطی امتیازاتی بدهد؛ متأسف است. آک پارتی اسلام سیاسی و حاکمیت دین را در جامعه ترکیه پیش می‌برد و حزب حرکت ملی هم ایدئولوژی راسیستی و پان‌ترکیستی دارد. اسلام سیاسی اک پارتی هیچ ارجحیتی بر حزب حرکت ملی ندارد.

منطق مسلمانی» اردوغان اسلام‌گرا این است که گام به گام دست آوردهای جمهوریت را کنار بزند» و لائسیسم، احترام به حقوق بشر و دموکراسی را که در قانون اساسی ترکیه جایگاه برجسته ای دارد در عمل از محتوی خالی کند: تعداد کل کورس های قرآن در ترکیه در سال ۲۰۰۲، اولین سال حکومت حزب عدالت و توسعه، در مجموع ۳ هزار و ۶۹۹ بوده و در سال ۲۰۲۰ به ۱۸ هزار و ۶۷۵ کورس رسیده است. در ۱۸ سال، ۱۵ هزار کورس قرآن افتتاح شده است، یعنی ۴۰۰ درصد افزایش

تعداد کودکانی که تحت آموزش "مذهب و ارزش‌ها" قرار گرفته اند در شش سال (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰) به نیم میلیون نفر رسیده است.\*

در دوران حکومت «حزب عدالت و توسعه» کتابخانه‌ها تعطیل و هزاران مسجد افتتاح شده است. طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۸ (۵ سال) سه هزار و دویست و نود و دو مسجد تازه ساخته شده و در همان دوره زمانی ۵۰ کتابخانه عمومی افتتاح شده است.\*\*

**پرده دوم -** آقای بادامچی در پرده دوم ادعا می‌کند: «دنیایی از درس در نتیجه انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه و ۱۴۰۰ ایران، و کلا مقایسه رفتارهای انتخاباتی جوامع ایران و ترکیه در ۱۵ سال اخیر هست که می‌شود برایشان تبیین الهیات سیاسی هم فراهم کرد.» آیا بطور اصولی می‌شود جامعه ترکیه را با ایران جمهوری اسلامی مقایسه کرد؟ آقای بادامچی با تاکید روی «تفاوت فرهنگ شیعه و سنی» می‌خواهد «تفاوت رفتار انتخاباتی مردم ایران و ترکیه» را با الهیات سیاسی «تبیین» کند. در صد سال گذشته ایران و ترکیه دو مسیر کاملاً متفاوتی را طی کرده اند. آتا تورک از بقایای امپراتوری عثمانی ترکیه نوین را با قانون اساسی مدرن و لائیک و آزادی زنان و تغییر خط به لاتین و ده‌ها اقدام مترقی دیگر، بنیان گذارد. رضا شاه اوایل سلطنت اش خواست از آتا تورک تقلید کند ولی این تقلید هم ایترو بی حاصل بود. در رابطه با مبارزه با خرافات مذهبی مطلق پیگیر نبود.

رضا شاه با همدستی ارتجاع، ناسیونالیسم افراطی ایرانی را ایدئولوژی رسمی حکومت قرار داد. به سرکوب خشن ملیت های غیر فارس ساکن ایران روی آورد. محمد رضا پهلوی همان سیاست پدر را ادامه داد و از ترس چپ ها به شیعه اثنی عشری پناه برد و به فعالیت های مذهبی میدان داد.

ترکیه جامعه مدنی گسترده و نیرومندی دارد. ده ها سال است که در ترکیه اعدام بر چیده شده است. در ترکیه احزاب مختلفی در صحنه سیاسی حضور دارند. در نتیجه انتخابات سراسری که در ۱۴ مه در ترکیه برگزار شد، ۱۵ حزب سیاسی به مجلس ملی ترکیه راه یافتند.

در ایران هیچ حزب و گروهی نه تنها اجازه فعالیت ندارند، بلکه در چهل سال گذشته پیوسته و مستمر نه فقط اعضا و هواداران سازمان های سیاسی بلکه دگر اندیشان و آزادیخواهان منفرد و سندیکالیست ها و فعالان مدنی ملل تحت ستم نیز بازداشت و شکنجه شده اند. به حبس های طولانی محکوم شده اند. اعدام شده اند. اعدام های دهه ی شصت و قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در همین جمهوری اسلامی رخ داده است. (البته اینها مطالبی نیست که آقای بادامچی ندانند) تعجب من از این است که این چه مقایسه ای است که او انجام می دهد

**پرده سوم - آقای بادامچی در پرده سوم یک سری اطلاعات در رابطه با تصوف (یا آنطور که آقای بادامچی با تاکید می گویند "جماعت و طریقت")** ارائه می دهند و توضیح می دهند که مرشد اردوغان، نجیب فاضل، بوده که «حدود ۴۰ سال قبل فوت کرده است، حکم احمد فرید (و تاحدی جلال آل احمد؟) را دارد برای نواسلامگرایان آک پارتی در ترکیه». آقای بادامچی با تکیه به روابط مرشد- مرادی نتیجه **!«می گیرد:»** صوفی ها پشت اردوغان هستند

آقای بادامچی می نویسد: «جماعت و طریقت در جریان اصلی سیاست ایران محلی از اعراب ندارند» البته ما نمی دانیم منظور آقای بادامچی از عدم وجود تصوف یا همان "جماعت و طریقت" چیست؟ آیا این خوب است، یا بد است ما نمی دانیم. البته سر نخ هایی میدهد: «روحانیت شیعه در سده ی اخیر بخشی از تصوف را به اسم عرفان و درس اخلاق درونی کرده است که آثار و درس های عرفانی آقای خمینی از مصادیق بارز آن هستند. خلاصه آنکه برخی طریقت های صوفیه، خصوصا در طریقت نقشبندی، از حامیان اصلی اردوغان در انتخابات اخیر بودند، چنانکه ولی فقیه کنونی ایران، آقای خامنه ای هم، برای برخی پیروانش نقش مرشد و مراد عرفانی را دارد»

اگر بازگشایی مسجد ایا صوفیه و تاریخچه ی آن و تفاوت برخورد اردوغان با خامنه ای در رابطه با حجاب و مشروبات الکلی و سیاست خارجی را کنار بگذاریم؛ جوهر حرف بادامچی این است که «اسلام اردوغانی نسخه بسیار روزآمدتر و کاراتری از اسلام خامنه ای و اصولگرایان تندرو در ایران است» و نتیجه: «تقریبا هرچه اصلاح طلبان در بیست سال گذشته از خامنه ای خواسته اند انجام بدهد تا نظام

جمهوری اسلامی بماند و مردم هم راضی باشند، اردوغان انجام داده است». پس آقای خامنه ای به نصایح آقای بادامچی و اصلاح طلبان حکومتی نوب در ولایت تان عمل کنید تا مردم کامروا باشند و از شما اراضی!

من تعجب می کنم که چرا آقای بادامچی به تفاوت ساختار سیاسی جمهوری اسلامی با ساختار چند حزبی و قانون اساسی بسیار مدرن ترکیه توجه نمی کند! چرا به آزادی احزاب در ترکیه اشاره نمی کند. چرا آقای بادامچی همه اش خامنه ای و اردوغان را مقایسه می کند. چرا نمی گوید اردوغان هر قدر هم مرادش نجیب فاضل باشد؛ رهبر حزبی است که یازده میلیون عضو دارد!

**پرده چهارم -** آقای بادامچی در پرده چهارم سعی می کند استدلال کند که «اسلام سنی» واقع گرا و محافظه کار است. «تشیع دوازده امامی» گفتمان انقلابی دارد که «نه تنها در رفتار رهبران دینی ایران و ترکیه، حتی در رفتار مردم عادی ایندو کشور هم نمود دارد» و ادامه می دهد: «خصوصا پس از جنبش مهسا، و خیزش های دی ۹۶ و آبان ۹۸، ایرانیان مدام به گذار از جمهوری اسلامی فکر می کنند، حتی اگر زورشان هم نرسد: فردایی آرمانی که در آن دیگر خامنه ای رهبر مطلقه کشور نیست. ایرانیان مدام برای فردا نقشه می کشند.» و بعد به ترکیه رجوع می کند: «ولی در ترکیه چه؟ در ترکیه، در ۲۸ مه، انتخاباتی رخ داد که براحتی می شد با شرکت در آن و رای به طرف قلیچدار اوغلو، اردوغان را بازنشسته کرد.» (البته من فکر نمی کنم براحتی میشد اردوغان را باز نشسته کرد) و بعد نتیجه می گیرد که «اسلام سنی، از نوعی که اردوغان نمایندگی می کند، بطور تاریخی گرایش به تبعیت از نظم موجودی دارد که سلطان یا خلیفه به عنوان ظل الله تبلور آن هستند و محافظه کارتر است. شیعه، همیشه انقلابی تر بوده است» آقای بادامچی اصرار دارند که تحولات اجتماعی و سیاسی را با مذهب توضیح دهند!

آقای بادامچی از اینکه ایرانیان مدام به گذار از جمهوری اسلامی فکر می کنند ناراحت است و ایرانیان را غیر مستقیم مسخره می کند که به «فردایی آرمانی» فکر می کنند و نقشه می کشند. او ایرانیان را به تسلیم در مقابل نظام تماما فاسد و مافیایی و جنایتکار دعوت می کند. آقای بادامچی پیوسته «تبعیت از نظم موجود» و «محافظه کاری» را تبلیغ می کنند. اگر «تبعیت از نظم موجود» و «محافظه کاری» در ترکیه تا حدودی پاسخ مثبت می گیرد (که خود این نظر جای بحث زیادی دارد) نه به خاطر سنی بودن یا نبودن مردم؛ بلکه بخاطر ساختار سیاسی چند حزبی و قانون اساسی لائیک و دموکراتیک آن کشور است. ترویج و تبلیغ «تبعیت از نظم موجود» در جمهوری اسلامی به معنای همصدایی با ظالم و تقابل صریح و روشن با مطالبات برحق زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان و ملیت های تحت ستم است!

**پرده پنجم -** آقای میثم بادامچی در پرده پنجم پرده ها را کنار می زند حرف حساب اش را بر زبان می آورد: «نامحیوبیت سپاه پاسداران در ایران نزد عامه مردم، در برابر محیوبیت ارتش در ترکیه» را به

سنى بودن تركيه و تشيع ايرانى ها بر مى گرداند. همان منطقى كه در جاى جاى اين پرده هاى پنجگانه شاهد بوديم. اقاى بادامچى اپوزيسيون جمهورى اسلامى را سرزنش مى كند: «اين اپوزيسيونگرى همينطور آفات مهمى دارد: يعنى گاهى سر به افراط مى گذارد، طورى كه امكان هرگونه ديالوگى را با حكومت و نيروهاى مسلح مى گيرد، وضعيتى كه امروز در اپوزيسيون برانداز با آن روبرو هستيم جز اين نيست». پس تا اينجا معلوم شد كه ايشان مدافع «ديالوگ» با حكومت و نيروهاى مسلح است. و دل خوشى از اپوزيسيون ندارد. به ايشان حتى اصلاح طلب نوع مير حسين موسوى و آن ۴۰۰ نفر كه از پيشنهاده رفراندوم موسوى حمايت كردند، هم نميشود گفت. مطلقن نمى شود گفت!

آقاى بادامچى مى گويد: «بدون همكارى سپاه و ارتش گذار به دموكراسى در ايران و رها شدن از سيطره‌ى ولايت مطلقه‌ى فقيه ممكن نيست. در يك ايران آينده مرانامه سپاه بايد عوض شود و ولايت فقيه حذف، و اين نيروى مسلح به ارتشى عادى، مانند تركيه، بدل شود» اين حرف هاى صريح و روشن اقاى بادامچى احتياج به تفسير و توضيح ندارد!

فكر نمى كنم با عوض كردن مرانامه سپاه پاسداران ماهيت و عملکرد سپاه عوض شود و به يك ارتش عادى مانند تركيه تبديل شود! اين چه مقايسه‌ى نابجا و بى معنايى است! (اينكه ارتش تركيه كى و چگونه تشكيل شده و چه روندى را طى کرده، اينجا جاى بحث نيست. اما مسلم است كه سپاه پاسداران هرگز نمى تواند به ارتش معمولى تبديل شود).

واقعيت اين است كه در اين پرده هاى پنجگانه خيلى روشن نمى شود كه اقاى بادامچى اين پرده ها را خطاب به مردم ايران نوشته يا گزارش- رهنمودى است براى سپاه پاسداران! در اين پرده هاى پنجگانه از نهادهاى رسمى و غير رسمى امنيتى و اطلاعاتى سرکوبگر وابسته به سپاه و بيت رهبرى ارزيابى و تحليلى ارايه نمى شود. البته اقاى بادامچى از «قاطى سياست شدن سپاه» ناراضى است زيرا سپاه «خود را برابر راى اكثريت مردم قرار داده است».

آقاى بادامچى با افتخار به ما ياد آورى مى كند كه «سپاه پاسداران در ايران در يكسرى صنايع، از جمله هوافضا، از ارتش هاى قوى منطقه است.» و فراموش نمى كند كه از اپوزيسيون برانداز انتقاد كند كه چرا «تمام هم و غم خود را آن قرار داده كه سپاه پاسداران را سازمان تروريستى اعلام كند» و هشدار مى دهد كه اين «امر» مشكلات جدى دارد.

آقاى بادامچى از قدرت سپاه و نيروهاى مسلح بسيار شوق زده است و اين شور و هيجان خود را نمى تواند كنترل كند: «قدرت سپاه و كلا نيروهاى مسلح ايران و ارتش تركيه در زمينه هاى مهمى قابل مقايسه است، خصوصا اگر در نظر بگيريم توسعه صنايع نظامى ايران ذيل تحريمها و قطع ارتباط با غرب رخ داده و تركيه اين مانع را نداشته است». اقاى بادامچى اينجا به سپاه پاسدان مدال هم مى دهد كه

با وجود تحریم ها از ارتش ترکیه که عضو ناتو است جلو زده است. مردم ایران قدرت سرکوبگری سپاه و نهادهای وابسته به آن را در این چهل سال با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. مردم عراق و سوریه و لبنان و... نیز قدرت سپاه را در جنگ های نیابتی در کشور هایشان و مصیبت هایی که سپاه پاسداران بر سرشان آوار کرده، دیده اند.

آقای میثم بادامچی می گوید: «البته اگر در ترکیه هم نظامی ها آشکارا وارد سیاست می شدند و جا را برای غیرنظامیان در سیاست و فرهنگ و اقتصاد این قدر که در ایران رخ داده، تنگ می کردند، شاید آنها هم مانند سپاه در ایران این قدر نامحبوب می شدند.» نامحبوب!!

آقای میثم بادامچی مردم ایران را کنار گذاشته و با استیصال تمام دنبال گوش شنوا در میان سپاهیان و نیروهای مسلح در ایران می گردد: «آیا گوش شنوایی در میان سپاهیان و نیروهای مسلح در ایران برای خروج از این وضعیت هست؟» عافیت باشد آقای بادامچی!

کلن- ۵ ژوئن ۲۰۲۳ (۱۵ خرداد ۱۴۰۲)

\* <https://www.birgun.net/haber/akp-doneminde-kuran-kursu-sayisi-yuzde-400-artti-18-yilda-15-bin-kuran-kursu-acildi-302884>

\*\*<https://www.birgun.net/haber/akp-turkiye-sinin-ozeti-bes-yilda-3-bin-cami-50-kutuphane-acildi-266222>